

کلمه چند بطریق اختصار از نوادگان و اشراف و حکایات  
 و سایر ملوک مابقی رجم الله درین کتاب درج گردیم و برین از عسر  
 و آسار که بر او خرج و سبب تصنیف کتاب است این بود و بالله العزمه  
 والتوفیق **مثنوی** بمانند ساطع این نظر و ترفیت زما هر ذره  
 خاک افشاده جایی غرض نیست که ما بازماند که سببی را  
 نمی بینیم بقای می که خدا دی روزی برکت کند در کار زور  
 و عایه در آن مدت که ما را وقت خوش بود ز جوت تشدد  
 و بیخاه و شش بود مراد ما ضعیف بود گفتیم حالت  
 ما جدا کردیم و در قسم و این کتاب را بر هشت باب نهادیم  
 بانه حسن و قبیح فهرست الاواب

**نام** بعون الملک الوهاب **اول**  
 در سیرت ملوک **باب دوم** در اخلاقی در ویناه  
**باب سوم** در قناعت **باب چهارم** در جاه  
**باب پنجم** در حق جوایی **باب ششم** در ضعف  
**باب هفتم** در تأثیر تربیت **باب هشتم** در ادب

خرمت

خدمت **باب اول** در سیرت ملوک **حکایت** پادشاهی را شنیدم  
 که یکشتن اسیری اشراف کرد چهاره در زخات نو میدی بزبان  
 داشت ملک را دشنام دادن گرفت و سخط گفتن گفتند  
 هر که دست از جان بشوید **حرف** در دل در کار بگویند **مثنوی**  
 از این لسان طال لسانه کست و مغلوب بصیرت علی الکلیت  
 وقت ضرورت جو نماند که در دست بگیرد سرش بر نیز ملک  
 بر سید که چه میگوید یکی از روزی یکی ملک سخن گفت ای خداوند  
 می گوید و کاظمین لوط و العاقین عن الناس ملک را بر هفت  
 آمد از سر خون او در گذشت و زبری دید که خدا او بود گفت  
 انبای جنس را نشاید که در حضرت با درش تا ناجر بر آینه سخن  
 گفتن این ملک را دشنام داد و فاسد گفت ملک روی ازین  
 سخن در رخ کشید و گفت مرا آن دروغ پسندیدند اندر این راست  
 که تو گفتی که آن را روین در مصیبت بود و این را بنا بر حث و خرد  
 منذ گفته اند دروغ مصیبت آینه بر آینه راست گفته اند گفتند  
 هر که شاه آن کند که او گوید **حرف** باشد که جز نگویند **مثنوی**

در آن مدت که ما را وقت خوش بود  
 ز جوت تشدد و بیخاه و شش بود  
 مراد ما ضعیف بود گفتیم  
 حواله شده است که دریم و در تقسیم هم  
 بر امر این  
 بویه

تاجان

بعنا اوله